

بررسی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی فرهنگی و ارتباط و پیوستگی مردم شهر ارومیه با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه

موسی سعادت^۱، مجید وظیفه‌امندی^۲، محمد عباس‌زاده^۳، حسن منتظری خوش^۴، احمد اصغرزاده^۵
تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۱۸ تاریخ تایید: ۹۴/۶/۲۳

چکیده

دریاچه‌ی ارومیه بزرگ‌ترین دریاچه‌ی خاورمیانه و دومین دریاچه‌ی حاوی آب شور در جهان می‌باشد. این دریاچه در سال‌های اخیر با خطر خشکی روبرو گشته است. خشکی این دریاچه می‌تواند زبان‌های جبران‌ناپذیری را بر طبیعت، اقتصاد، ساخت جمعیتی و در کل موجودیت منطقه وارد سازد. اما مسئله‌ای که در کنار خشک شدن دریاچه‌ی ارومیه مطرح می‌باشد، این است که ارتباط و پیوستگی مردم با این دریاچه در چه حد است؟ آیا مردم از نظر فکری و فیزیکی و نیز در عمل، با این دریاچه و وضعیت بحرانی فعلی آن درگیرند و یا نسبت به آن بی‌تفاوت‌اند؟ پاسخ به این سوال کلی و نیز یافتن رابطه‌ی بین سرمایه‌ی فرهنگی با ارتباط و پیوستگی مردم با این دریاچه هدف این مقاله بوده است. روش تحقیق پژوهش حاضر، پیمایش بوده و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه است. جامعه آماری نیز شامل تمامی شهروندان پانزده سال به بالای شهر ارومیه می‌باشد، که از بین آن‌ها، ۳۸۴ نفر از طریق فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری تصادفی مطابق، به عنوان نمونه نهایی انتخاب شدند. نتایج تحقیق حاصله با استفاده از نرم افزار SPSS نشان داد که میزان ارتباط و پیوستگی شهروندان با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه در حد بالایی بوده است و متغیر مذکور، با دو بعد تجسم‌یافته و عینیت یافته‌ی متغیر سرمایه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی همبستگی معنی‌دار داشته است. همچنین، متغیرهای باقی مانده در مدل رگرسیونی توانسته اند ۲۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته ارتباط و پیوستگی با طبیعت را تبیین نمایند.

واژگان کلیدی: ارتباط و پیوستگی با طبیعت، دریاچه‌ی ارومیه، بحران زیست‌محیطی، سرمایه فرهنگی.

-
- 1- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی دانشگاه کاشان. saadati.2245@yahoo.com
 - 2- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه سلجوق ترکیه. vazifem@yahoo.com
 - 3- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز. m.abbaszadeh2014@gmail.com
 - 4- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی دانشگاه کاشان. Hassanmontazery@gmail.com
 - 5- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان. asgharzadeh_8@yahoo.com

مقدمه

دریاچه‌ی ارومیه، جزو بیست دریاچه‌ی بزرگ جهان، بزرگ‌ترین دریاچه‌ی خاورمیانه، دومین دریاچه‌ی حاوی آب شور جهان و بزرگ‌ترین مکان زندگی آرتمیا در جهان می‌باشد که بنا به گفته‌ی کارشناسان و آمار و ارقام موجود در این زمینه و مشاهدات شخصی محقق، در معرض خطر خشک شدن می‌باشد. بر اساس آمار سال ۱۳۸۹، نمک فعلی موجود در آب این دریاچه ۳۶۴/۲۸ گرم در لیتر (فوق اشباع بوده و سطح آب دریاچه در سال ۸۹ بسیار پایین‌تر از حداقل نیاز بیولوژیکی دریاچه می‌باشد) (اداره‌ی کل محیط زیست آذربایجان شرقی، ۱۳۸۹). پایین آمدن سطح آب دریاچه باعث ایجاد شوره‌زار می‌شود که در شرایط فعلی منجر به ایجاد حدود ۱۵۰ هزار هکتار شوره زار شده است. برآورد نسبی برای ترمیم دریاچه و رساندن آب آن به تراز آبی متوسط ۱۲۷۶ حدود ۲۰ میلیارد متر مکعب آب است که رقم کلانی است (همان، ۱۳۸۹).

بنابر گفته‌های کارشناسان با خشک شدن این دریاچه عواقب زیست محیطی چون تبدیل دریاچه به شوره زار، پاشیده شدن نمک مانده از بقایای دریاچه به مناطق اطراف، تهدید اراضی کشاورزی استان‌های همجوار (به خصوص آذربایجان شرقی و غربی و کردستان)، نابودی گونه‌های حیات زنده که از طریق دریاچه به حیات خود ادامه می‌دهند و عواقب غیرقابل پیش‌بینی دیگر که می‌تواند با خود داشته باشد، منطقه را در بر خواهد گرفت. این در حالی است که در سال‌های اخیر علاوه بر تغییر میزان بارش‌ها و رژیم بارش در حوزه‌ی آبریز دریاچه و سایر عوامل طبیعی، عوامل انسانی مانند احداث سدها، آبیاری در بخش کشاورزی، حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق در اطراف دریاچه و در کل افزایش مصرف آب آشامیدنی و کشاورزی و صنعتی در مناطق اطراف دریاچه، از جمله عواملی هستند که در خشک شدن دریاچه نقش دارند (منبع: مطالعات اکتشافی محقق). بنابراین در کنار عوامل طبیعی، کلیمه ساکنین مناطق اطراف دریاچه ارومیه به سهم خود در خشک شدن این دریاچه تاثیر دارند و از هر گونه تغییر اقلیمی در این دریاچه و از جمله خشک شدن آن متاثر خواهند شد.

مسئله‌ای که در کنار خشک شدن دریاچه‌ی ارومیه می‌تواند مطرح باشد، بی‌توجهی مردم به این بحران و مهم ندانستن آن است. این حالت بی‌توجهی می‌تواند ناشی از دید انسان‌محورانه و جدا دیدن انسان‌ها از طبیعت باشد. دیدی که می‌تواند به نابودی طبیعت بیانجامد. اما انسان‌ها می‌توانند از بند این اندیشه رهایی یابند و این مرزها را بردارند. با برداشتن مرزهای ذهنی بین انسان و طبیعت و پیوسته و در ارتباط دانستن آنها، می‌توان بیگانگی بین موجود بشری و طبیعت را برداشت و با هماهنگی بیشتری در مسیر حفظ آهنگ طبیعت و پیوستگی با آن در مقابله با بحران‌ها گام برداشت.

این ارتباط و پیوستگی انسان‌ها و طبیعت می‌تواند در مورد دریاچه‌ی ارومیه هم صادق باشد. مردم می‌توانند با این دریاچه ارتباط و پیوستگی زیادی داشته و با مشارکت و آگاهی خود در احیای این دریاچه اثرگذار باشند. این مشارکت و آگاهی می‌تواند هم در سطح کنش فردی (صرفجویی و عدم اسراف در محیط خانه و زندگی شخصی در مواردی مثل مصرف آب، تولیدات کشاورزی و صنعتی و ...) و هم کنش جمعی (عضویت در NGO های محیط زیستی، آگاه‌سازی مردم و ...) صورت پذیرد.

در این زمینه باید گفت که طبق مطالعات اکتشافی محقق، مسئله‌ی خشکی دریاچه‌ی ارومیه به ویژه در سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ برجسته شد و مردم و به ویژه مردم شمال غرب ایران (آذربایجان) نسبت به این مسئله حساسیت زیادی نشان دادند. این توجه زیاد به مسئله‌ی دریاچه‌ی ارومیه خود را در خبرهای رسمی و برنامه‌های شبکه‌های تلویزیونی استانی استانی‌های آذربایجان شرقی و غربی، روزنامه‌های محلی، سایتهای اینترنتی، شبکه‌های اجتماعی و دانشگاه‌ها (به صورت برگزاری نمایشگاه‌های عکس و پوستر و یا جلسات سخنرانی) نشان داد. این توجه خود را در اشکال مختلف بایاتی‌ها^۱ و قطعه‌های شعر^۲، شعارها^۳، پوسترها، کلیپ‌های تصویری، عکس‌هایی از زوایای مختلف دریاچه که خشک شدن آن را نمایش می‌داد، نشان داد. در این پژوهش نیز، دقیق‌تر کردن این مطالعات اکتشافی و فهم اینکه چقدر مردم با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه ارتباط و پیوستگی دارند، مسئله‌ای که برای محقق مطرح است. سوال‌هایی که در این تحقیق مطرح می‌باشند، عبارتند از اینکه اولاً؛ مردم شهر ارومیه چقدر با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه ارتباط و پیوستگی دارند؟ ثانیاً؛ بین سرمایه‌ی فرهنگی و ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه ارومیه رابطه‌ای وجود دارد؟

۱. بایاتی‌ها یا دو بیت‌ها یکی از پربرترین ادبیات شفاهی مردم آذربایجان را تشکیل می‌دهد. یکی از ویژگی‌های اصلی این ادبیات شفاهی، وابسته بودن آن به یک روحیه‌ی جمعی است در این مفهوم که زاده‌ی اندیشه‌ی شخص واحدی نیست، بلکه تخم آن در میان جامعه و توسط افراد جامعه کاشته شده و به وسیله‌ی آنها آبیاری می‌شود. (<http://www.salamnamin.com>). نمونه‌ای از بایاتی‌های مربوط به دریاچه ارومیه:

- خبر وثرین اتلله ره، دوشسون هامی دپلله ره، اورمو گولو گوز دیکیب، مدد وثرن ا لله (استمداد از همه برای کمک به دریاچه ارومیه).

- هارای لازای هارای لاز!، دولانار ایلار - آیلار، من سوسوزام، هارداسیز؟ سوپو گتیرین چایلار! (فریاد و کمک خواهی دریاچه از رودخانه‌ها برای رساندن آب).

۲. جو گنجه اوپدوم دنیزی، ساحیلیندن آیریلاندا، دوداقلاری دوزلوایدی، گوز یاشیم کیمی... (بوسه بر ساحل دریاچه شب هنگام، در حالی که ساحل خشکیده‌ی دریاچه مثل اشک‌های شاعر شور بوده است).

3 - گلین گداخ آغلیاتی --- اورمو گولون دولدوراق (دعوت از همه برای پر کردن دریاچه با اشک چشم‌ها).

چارچوب نظری تحقیق

مفهوم پیوستگی یا ارتباط با طبیعت^۱ شامل احساس اهمیت فرد برای موجودات زنده دیگر روی زمین و درک ارتباط زندگی انسان‌ها با آنها است. ویلسون^۲ (۱۹۸۴) مطرح می‌کند که انسان‌ها، بر پایه‌ی تاریخ تکاملی، دارای یک نیاز درونی برای ارتباط با سایر موجودات و اشیای زنده می‌باشند. کلرت^۳ و ویلسون (۱۹۹۳) در فرضیه‌ی بیوفیلیا^۴ این ادعا را می‌کنند که با توجه به اینکه انسان‌ها در تاریخ تکاملی خود، نسبتاً دیر شروع به زندگی در شهرها- جدای از طبیعت- کردند، پس این امر که ما انسان‌ها تمامی داشته‌ها و یادگیری‌های خود از طبیعت را که در بیولوژی ما نهفته است را به فراموشی سپاریم، غیرمحتمل است. شواهد و مدارکی که برای اثبات فرضیه‌ی بیوفیلیا آورده می‌شود مواردی چون عمومیت داشتن فعالیت‌های معطوف به محیط بیرونی و طبیعت وحشی و رام نشده، باغ وحش‌ها، فعالیت‌های باغبانی، روابط ما با حیوانات، و انس و ارتباط ما با چشم‌اندازهای طبیعی می‌باشد (نیزبت و همکاران^۵، ۲۰۱۱: ۳۰۴). اگرچه چنین کشش و جذبه‌ی آشکاری نسبت به طبیعت وجود دارد، تغییرپذیری و تنوع قابل توجهی نیز در میزان و مقدار احساس ارتباط اشخاص با طبیعت وجود دارد (نیزبت و همکاران، ۲۰۱۱: ۳۰۶).

در حال حاضر ما با مشکلات زیست محیطی در حال رشدی روبرو هستیم که به سلامتی ما و سیاره‌ی زمین آسیب می‌رسانند. گرم شدن زمین، آلودگی هوا، انقراض گونه‌های حیوانی، و دیگر مشکلات زیست محیطی به خودی خود به وجود نمی‌آیند و انسان‌ها نقش عمده‌ای را در به وجود آمدن آنها بازی می‌کنند (نیزبت و همکاران، ۲۰۰۹: ۷۱۶). در چنین شرایطی قطع ارتباط با دنیای طبیعی^۶ ممکن است به نابودی سیاره‌ی ما منجر شود. مقیاس «ارتباط و پیوستگی با طبیعت»^۷ به عنوان یک روشی مفید برای سنجش ارتباطات موجود بین انسان- طبیعت می‌باشد که در آن بحث‌های مربوط به نگرانی نسبت به محیط زیست^۸ و رفتارهای معطوف به حفظ طبیعت بحث می‌شود (نیزبت و همکاران، ۲۰۰۹: ۷۱۵).

از طرفی، فرهنگ شرایط اساسی در انتقال فرهنگی را فراهم می‌کند و مبتنی بر چند عنصر آموزش، کنش متقابل اجتماعی و تاثیرگذاران بر نقش‌ها از طریق نفوذ در نظام شخصیت فرد

- 1 . nature relatedness
- 2 . Wilson
3. Klert
4. biophilia hypothesis
5. Nisbet etal
6. natural world
- 7 . the nature relatedness scale
8. environmental concern

است. در پرتو این تاثیرات می‌توان انحراف را حاصل آگاهی‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای مطرح در محیط فرهنگی تعریف کرد (محسنی، ۱۳۸۶: ۴۲).

فلورا^۱ (۲۰۰۰) در تعریف سرمایه فرهنگی معتقد است، سرمایه فرهنگی تعیین می‌کند چگونه جهان را ببینیم؛ چه چیزی جهت ارائه به دست آوریم و به چه چیزهایی برای تغییر بیندیشیم. باید توجه داشت که سرمایه فرهنگی گاه در قالب پدیده‌های ملموس مانند آثار فرهنگی تحقق می‌یابد و گاه به صورت غیرملموس و در قالب سرمایه معنوی عینیت پیدا می‌کند، مانند باورها، ارزش‌ها، عقیده و اعمال مشترک در میان یک گروه. سرمایه اطلاعاتی و دانایی نیز ذیل سرمایه فرهنگی قابل طرح می‌باشد نه به صورت مستقل، زیرا مقصود آنها، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فردی، جمعی و سازمانی در تولید و پردازش دانش تجربی در سطح عموم مردم و شکل‌گیری بازار رقابت در علم است (فصیحی، ۱۳۸۹: ۲۴-۲۳).

سرمایه‌ی فرهنگی از دیدگاه پیر بوردیو^۲: وی، سرمایه‌ی فرهنگی را چنین تعریف می‌کند: «صورت‌هایی از دانش، مهارت‌ها، آموزش و مزایایی که یک انسان واجد آن است و به او اجازه می‌دهد که یک جایگاه بالاتری در جامعه کسب کند.» در اینجا منظور از سرمایه فرهنگی قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد می‌باشد و آن در برگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شوند (روحانی، ۱۳۸۸: ۱۴-۱۵). به نظر بوردیو، انتخاب راهکارهای سرمایه‌گذاری فرهنگی مناسب، در خانواده نقش مهمی در فراگیری بهتر آموزش و اندوخته‌های افراد دارد. به عقیده وی از بعضی جهات، سرمایه فرهنگی بهترین و موثرترین روش انتقال سرمایه موروثی است، زیرا تا حد زیادی به صورت عینی انجام گرفته و بنابراین از کنترل کمتری برخوردار است. همین‌طور از نظر بوردیو، مالکیت سرمایه فرهنگی تنها از سرمایه مادی حکایت نمی‌کند، بلکه سرمایه فرهنگی ناشی از شرایط خانوادگی یا مدرسه‌ای، تا حدی از سرمایه اقتصادی مستقل عمل می‌کند. سرمایه فرهنگی حتی کمبود پول را به عنوان قسمتی از راهکار فرد یا گروه برای تعقیب قدرت و جایگاه اجتماعی جبران می‌کند (سعادت‌ی و عباس زاده، ۱۳۹۲: ۶۹).

از دیدگاه بوردیو، انواع سرمایه‌ی فرهنگی به دو صورت نه بلکه به سه صورت تجلی می‌یابند: سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته: انباشت سرمایه‌ی فرهنگی تلاشی است که پیشاپیش در گرو صرف هزینه‌ی مستقیم توسط خود شخص است. این سرمایه‌ی متجسد و این ثروت برونی را که به جزء جدانشدنی وجود شخص و محدوددهی اعمال عادت‌واره‌ی او تبدیل شده، نمی‌توان فوراً با

1. Flora

2 . Pierre Bourdieu

هدیه یا خرید مبادله کرد. این حالت از سرمایه‌ی فرهنگی را نمی‌توان فراتر از ظرفیت‌های متناسب با یک فرد انباشت کرد. بلکه برعکس، همراه حامل خود (ظرفیت بیولوژیکی او، حافظه‌اش و غیره) رو به افول می‌نهد و می‌میرد (بوردیو، ۱۳۸۴: ۱۳۹-۴۲). این سرمایه بیان‌گر چیزهایی است که افراد می‌دانند و می‌توانند انجام دهند. سرمایه‌ی فرهنگی درونی شده، توانایی‌های بالقوه‌ای دارد که به تدریج بخشی از وجود فرد و در او تثبیت شده است و با بهره‌گیری و سرمایه‌گذاری مناسب از زمان در اختیار و از طریق ساز و کارهای یادگیری و آموزش افزایش می‌یابد (غفاری، ۱۳۸۷: ۱۵-۱۷).

سرمایه‌ی فرهنگی عینیت‌یافته: لازمه سرمایه‌ی فرهنگی عینیت‌یافته، وجود سرمایه‌های فرهنگی تجسم‌یافته است این سرمایه بدیهی‌ترین و آشکارترین نوع سرمایه‌ی فرهنگی است که افراد جامعه می‌توانند از آن بهره‌مند شوند، و بیشتر در کالاها و اشیای مادی تجسم می‌یابد و از ویژگی‌های بارز آن قابل انتقال بودن آن است (غفاری، ۱۳۸۷: ۱۵-۱۷). سرمایه‌ی فرهنگی در حالت عینیت‌یافتگی، چند خصوصیت دارد که فقط در رابطه با سرمایه‌ی فرهنگی در شکل متجسد آن به تعریف در می‌آیند. سرمایه‌ی فرهنگی که به شکل اشیای مادی و رسانه‌هایی چون نوشته‌ها، نقاشی‌ها، بناهای تاریخی، ابزارها و غیره عینیت پیدا می‌کند، در حالت مادیت خود، قابل انتقال است. برای مثال، مجموعه‌ای از تابلوهای نقاشی را می‌توان درست همانند سرمایه‌ی اقتصادی منتقل کرد (بوردیو، ۱۳۸۴: ۱۳۹-۴۲).

سرمایه‌ی فرهنگی نهادی و ضابطه‌ای: عینیت‌یابی سرمایه‌ی فرهنگی به شکل مدارک و مدارج آموزشی یک راه خنثی کردن خواصی است که ناشی از آن است که این سرمایه‌ی متجسد با جسم فرد حد و مرز یکسان دارد. این عینیت‌یابی چیزی است که موجب تفاوت میان سرمایه‌ی خودآموخته از یک سو و سرمایه‌ی فرهنگی مستظهر به مدارج آموزشی و امتیازات ضمانت شده و از نظر رسمی مستقل از شخص حامل، از سوی دیگر است (بوردیو، ۱۳۸۴: ۱۴۶).

برای درک این رابطه‌ی بین ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه، می‌توان به یافته‌های بوردیو در کتاب تمایز اشاره کرد. وی با مطرح کردن اصطلاح فاصله‌گیری زیبایی‌شناختی، می‌گوید که درک صحنه‌های گوناگون به صورت زیبا، بی‌معنا و یا زشت، براساس سرمایه‌ی فرهنگی افراد متفاوت است. به عنوان مثال وی می‌گوید که برخی صحنه‌ها عادی و عوامانه و به اصطلاح، بشری شده‌اند (مثلا مراسم عشای ربانی و یا غروب آفتاب) و این صحنه‌ها برای افرادی که دارای سرمایه‌ی فرهنگی بالا هستند، زیاد جذاب نیستند، در عوض برخی صحنه‌ها (که شاید از نظر اجتماعی بی‌اهمیت و پیش و پا افتاده باشد) مثل پوست درخت و یا شن و ماسه و یا مواردی (که حتی از نظر اجتماعی زشت به شمار می‌آیند) مثل مار و یا سایر حیوانات گزنده، زیبا به نظر می‌آید (بوردیو، ۱۳۹۰: ۶۵-۷۰). بنابراین، به نظر بوردیو،

سرمایه‌ی فرهنگی افراد، در چگونگی درک طبیعت و دیدگاه‌های افراد نسبت به پدیده‌های طبیعی، تأثیر دارد.

سرمایه‌ی فرهنگی / از دیدگاه دیوید تراسبی^۱: به اعتقاد تراسبی سرمایه فرهنگی می‌تواند به دو شکل وجود داشته باشد: سرمایه فرهنگی ملموس: چنین سرمایه‌ای واجد همان ویژگی‌های ظاهری سرمایه مادی یا انسانی است. مثل سرمایه فیزیکی که به وسیله فعالیت انسانی به وجود می‌آید، در دوره‌ای از زمان می‌پاید، اگر دوام نیابد می‌تواند از بین برود، به مرور زمان موجب جریانی از خدمات شود، می‌تواند از طریق سرمایه‌گذاری منابع جاری در تولید آن افزایش یابد، معمولاً می‌تواند خرید و فروش شود و دارای ارزش مالی، دارای واحد اندازه‌گیری است. سرمایه فرهنگی در این شکل می‌تواند به صورت بناها، محل‌ها، مکان‌ها، مناطق، آثار هنری مثل نقاشی و مجسمه‌ها، مصنوعات و ... باشد. سرمایه فرهنگی ناملموس: این نوع از سرمایه به صورت سرمایه معنوی و به شکل ایده‌ها، اعمال، عقاید و ارزش‌هایی است که در یک گروه مشترک است. این صورت از سرمایه فرهنگی به شکل آثار هنری از قبیل موسیقی و ادبیات نیز وجود دارد که کالاهای عمومی هستند (باینگانی و کاظمی، ۱۳۸۷: ۱۴).

پیشینه‌ی تجربی

محمدرضایی و اسکافی (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان موانع و راهکارهای مشارکت کارکنان در سیستم مدیریت محیط زیستی شرکت ایران خودرو به این نتیجه می‌رسند که سطح پایین سرمایه فرهنگی، تعهد، توانایی و شناخت کارکنان، تباین میان ارزش‌های سازمان و ارزش‌های کارکنان، عدم رضایت شغلی آنان و سبک سنتی مدیریت سازمان، از مهم‌ترین موانع مشارکت کارکنان شرکت ایران خودرو در سیستم مدیریت محیط زیستی آن به شمار می‌رود. و پیشنهادهایی را در جهت رفع آن ارائه می‌دهند.

هاینز^۲، هانگرفورد^۳، و تومرا^۴ (۱۹۸۶-۱۹۸۷) در یک فراتحلیل^۵ از ۲۸ مطالعه‌ی تجربی که در مورد عوامل تعیین کننده‌ی رفتار زیست محیطی بودند، نشان دادند که سرمایه فرهنگی، شخصیت و نگرش‌ها و نیز دانش و مهارت‌ها، رفتارهای حامی زیست محیط را پیش‌بینی می‌کنند (نیزبت و همکاران، ۲۰۰۹: ۷۲۱).

دیویس، گرین و رید (۲۰۰۸) در تحقیق خود این سوال را مطرح می‌کنند که آیا درک افراد از

1. David Throsby

2 . Hines

3 . Hungerford

4 . Tomera

5 . meta analysis

اتکای متقابل شان با محیط طبیعی، رفتار محیطی آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد؟ این محققین از دیدگاه تئوری اتکای متقابل^۱ مقیاسی را برای سنجش تعهد به محیط طبیعی ارائه می‌دهند. مطالعه‌ی آنها نشان داد که سطح بالای تعهد به طبیعت، رفتارهای مثبت به نفع طبیعت را باعث می‌شود. یعنی هر چه تعهد افراد نسبت به طبیعت بیشتر بود، نسبت به طبیعت رفتارهای مثبتی داشتند. نتیجه‌ای که از این تحقیق به دست آمد این بود که تعهد نسبت به طبیعت یک چهارچوب تئوریک جدیدی است که نحوه‌ی رفتار محیطی افراد را پیش‌بینی می‌کند.

ماریا گلاریز بوناویستا^۲ (۱۹۹۵) مطالعه‌ای در مورد روستائیان فیلیپینی که زندگی و اقتصاد آنها از منابع طبیعی رو به کاهش و نابودی روستا بود، انجام داده است. این مطالعه با استفاده از چهارچوب تئوریک اکولوژی سیاسی^۳ و فمینیسم محیط زیست‌گرا^۴ به روشن کردن عوامل اجتماعی موثر در مدیریت منابع خانواده‌های روستایی می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تعاملات بین جنسیت و طبقه، همزیستی روابط بازاری و غیر بازاری، و قدرت شبکه‌های اجتماعی از جمله عواملی هستند که انتخاب‌های خانواده‌ها در مدیریت منابع خانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. محقق در آخر نتیجه می‌گیرد که ایجاد سرمایه‌ی فرهنگی و اجتماعی و نیز تقویت کنترل نیروها و مردم محلی بر منابع طبیعی کلید مدیریت پایدار منابع طبیعی می‌باشد.

الیزابت نیزیت و همکاران (۲۰۰۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «مقیاس ارتباط و پیوستگی با طبیعت: مرتبط ساختن رابطه‌ی شخصی انسان‌ها با رفتار و نگرانی نسبت به طبیعت»، می‌گویند که نبود ارتباط و پیوستگی بین انسان‌ها و طبیعت ممکن است منجر به نابودی کره‌ی زمین شود. آنها برای سنجش ارتباط و پیوستگی مردم با طبیعت، یک مقیاس تحت عنوان «ارتباط و پیوستگی با طبیعت»^۵ را ساخته و آن را در بین ۸۳۱ دانشجو به آزمون می‌گذارند. نتایج بدست آمده نشان می‌دهند که این مقیاس با مقیاس‌ها و رفتارهای محیط زیستی و نیز فراوانی حضور در طبیعت دارای همبستگی است. توانایی مقیاس NR در سنجش ارتباط و پیوستگی بین انسان‌ها و طبیعت در مقاله‌ی آنها مورد سنجش قرار گرفته است.

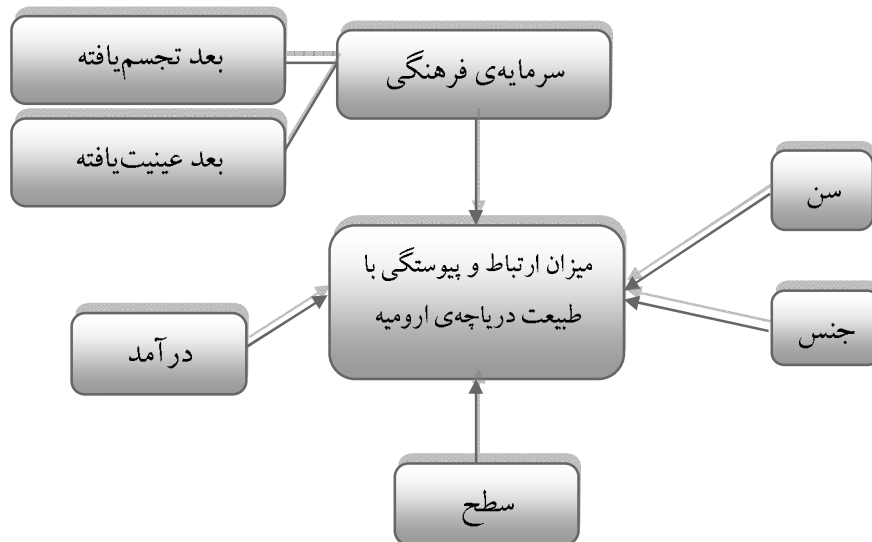
هاینز^۶، هانگرفورد^۷، و تومرا^۸ (۱۹۸۶-۱۹۸۷) در یک فراتحلیل^۹ از ۲۸ مطالعه‌ی تجربی که در

1. interdependence theory
2. Maria Gladys G. Buenavista
3. political ecology
4. feminist environmentalism
5. nature relatedness
6. Hines
7. Hungerford
8. Tomera
9. meta Analysis

مورد عوامل تعیین‌کننده‌ی رفتار زیست محیطی بودند، نشان دادند که شخصیت و نگرش‌ها و نیز دانش و مهارت‌ها، رفتارهای حامی زیست محیط را پیش‌بینی می‌کنند (نیزبت و همکاران، ۲۰۰۹: ۷۱۸).

مدل تحلیل تحقیق

براساس تئوری‌های مطرح شده و پیشینه‌های تجربی انجام یافته حول موضوع تحقیق، مدل تحلیل پژوهش به صورت زیر ارائه می‌گردد:



نمودار شماره ۱۵: مدل تحلیلی تحقیق

فرضیه‌های تحقیق

- ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه رابطه وجود دارد. بین بعد تجسم یافته‌ی سرمایه‌ی فرهنگی و .
- ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه رابطه وجود دارد. بین بعد عینیت‌یافته‌ی سرمایه‌ی فرهنگی و .
- ارتباط و پیوستگی پاسخگویان با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه رابطه وجود دارد. بین متوسط درآمد خانواده و .
- بین سن پاسخگویان و ارتباط و پیوستگی آنها با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه رابطه وجود دارد.
- میانگین ارتباط و پیوستگی پاسخگویان با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه بر حسب جنسیت متفاوت است.

– میانگین ارتباط و پیوستگی پاسخگویان با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه بر حسب سطح تحصیلات متفاوت است.

روشن‌شناسی

تعریف متغیرهای تحقیق

میزان ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه

تعریف مفهومی: مفهوم پیوستگی یا ارتباط با طبیعت شامل احساس اهمیت فرد برای موجودات زنده دیگر بر روی زمین و درک ارتباط زندگی انسان‌ها با آنها است. پیوستگی با محیط نسبتاً ثابت در گذر زمان و در میان موقعیت‌ها بوده و کاملاً تثبیت شده نیست (نیزبت و همکاران، ۲۰۰۹، ۷۲۶). پیوستگی با طبیعت در عمل نیز باید خود را نشان دهد، بنابراین شامل کنش‌ها و اقدامات کنشگران در جهت حفظ طبیعت می‌شود.

بر این اساس پیوستگی با طبیعت دارای چهار مولفه‌ی اساسی است: مولفه احساس خود در ارتباط با طبیعت^۱، دیدگاه و دورنمای جهانی نسبت به طبیعت^۲، تجربه فیزیکی^۳ و اقدام در جهت حفظ طبیعت^۴ در ارتباط با طبیعت. این متغیر در سطح سنجش فاصله‌ای و در قالب طیف لیکرت سنجش شده است.

تعریف عملیاتی: تعریف عملیاتی پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه در جدول شماره ۱ آمده است.

-
1. the nr-self
 2. the nr-perspective
 3. the nr-experience
 4. the nr-action

جدول شماره ۱: تعریف عملیاتی سازه میزان ارتباط با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه

مولفه	معرفها	طیف مورد استفاده
احساس خود در ارتباط با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه	فکر کردن به تأثیر کارها بر دریاچه‌ی ارومیه، آگاهی از مسائل و مشکلات دریاچه‌ی ارومیه، بخشی از دریاچه بودن و از آن جدا نبودن، فکر کردن به طبیعت دریاچه‌ی ارومیه در همه جا، تعریف کردن رابطه‌ی خود با طبیعت دریاچه به عنوان بخشی از هویت خود.	لیکرت
دیدگاه جهانی نسبت به طبیعت دریاچه‌ی ارومیه	دیدگاه فرد نسبت به نابود شدن دریاچه‌ی ارومیه، دادن حق به انسان‌ها در استفاده از منابع دریاچه‌ی ارومیه، قائل شدن به حق بیشتر به دریاچه‌ی ارومیه در مقایسه با انسان‌ها، اعتقاد به اینکه محافظت از دریاچه‌ی ارومیه ضروری است.	لیکرت
تجربه فیزیکی طبیعت دریاچه‌ی ارومیه	لذت از حضور در هوای آزاد دریاچه‌ی ارومیه حتی در هوای بد، لذت از شستن دستها در آب دریاچه، رفتن زیاد به کنار دریاچه، سفر به دامان دریاچه در تعطیلات.	لیکرت
اقدام عملی در حفظ طبیعت دریاچه‌ی ارومیه	کمک پول در حفظ دریاچه‌ی ارومیه به نهادها و موسسه‌ها، عضویت در گروه‌هایی که به حفظ دریاچه کمک می‌کنند، علاقه به داشتن نقشی در احیای دریاچه، اعتقاد به نقش و توان خود در حل مشکلات دریاچه.	لیکرت

سرمایه‌ی فرهنگی

تعریف مفهومی: پی‌یر بوردیو سرمایه‌ی فرهنگی را چنین تعریف می‌کند: «صورت‌هایی از دانش، مهارت‌ها، آموزش و مزایایی که یک انسان واجد آن است و به او اجازه می‌دهد که یک جایگاه بالاتری در جامعه کسب کند» (روحانی، ۱۳۸۸: ۱۴).

تعریف عملیاتی: جهت سنجش متغیر سرمایه فرهنگی ابعاد زیر تشخیص داده شده است: سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته: این بعد از متغیر سرمایه‌ی فرهنگی با میزان علاقه به موزه و نمایشگاه‌های هنری و فرهنگی، کنسرت‌های موسیقی کلاسیک، روزنامه، مطالعه کردن، موسیقی کلاسیک و سنتی و تئاتر عملیاتی شده است.

سرمایه‌ی فرهنگی عینیت‌یافته: این بعد از متغیر سرمایه‌ی فرهنگی نیز از طریق معرف‌های میزان خریدن تابلوهای نقاشی و هنری، میزان خریدن مجسمه‌ها و اشیای قدیمی، میزان

خریدن کتاب‌های غیردرسی، میزان شرکت در جلسات علمی، و میزان بازدید از موزه‌ها عملیاتی شده است. لازم به ذکر است که، دو بعد تجسم‌یافته و عینیت‌یافته‌ی متغیر سرمایه‌ی فرهنگی در سطح فاصله‌ای و با طیف لیکرت سنجش شده است.

روش اجرای تحقیق حاضر نیز پیمایشی می‌باشد که محقق در تلاش است تا اطلاعات لازم و مورد نیاز با جمع‌آوری و در صدد معنا کردن آنها برآید. هدف تحقیق پیمایش این است که با مقایسه دقیق ویژگی‌های مختلف موردها به استنباطی علی نائل آید (دواس، ۱۳۸۶: ۱۵). این تحقیق از نظر وسعت، پهنانگر و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است.

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی ساکنین شهر ارومیه که ۱۵ سال به بالا دارند می‌باشد. پاسخگویان هم مردان و هم زنان را شامل می‌شود. تعداد کل ساکنین شهر ارومیه براساس سرشماری سال ۱۳۸۵، ۵۸۳۲۵۵ نفر می‌باشد که تعداد ۴۴۲۴۸۷ نفر از آنها بالای ۱۵ سال سن دارند.

روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر، از نوع نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای می‌باشد، بدین صورت که حجم نمونه برآورد شده، به تناسب جمعیت هر یک از مناطق شهرداری شهر ارومیه، بطور تصادفی نمونه انتخاب شد.

نمونه آماری از بین خانواده‌های شهر ارومیه با استفاده از فرمول کوکران محاسبه گردید:

$$= \frac{442487 \times 1.96^2 \times .50 \times .50}{442487 \times .05^2 + 1.96^2 \times .50 \times .50} = 384 \quad n = \frac{Nt^2 pq}{Nd^2 + t^2 pq}$$

قابل ذکر است که تعداد کل ساکنین شهر ارومیه بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، ۵۸۳۲۵۵ نفر می‌باشد که تعداد ۴۴۲۴۸۷ نفر از آنها بالای ۱۵ سال سن دارند که زیرمجموعه‌ی جامعه‌ی آماری این تحقیق محسوب می‌شوند. بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران تعداد ۳۸۴ نفر نمونه‌ی آماری این تحقیق محاسبه شد.

برای تعیین پایایی پرسشنامه نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد. ضرایب آلفای مورد نظر به تفکیک ابعاد در جدول شماره (۲) نشان داده شده است.

جدول شماره ۲: ضریب پایایی برای هر یک از متغیرهای تحقیق به تفکیک ابعاد

متغیرهای تحقیق	ابعاد	تعداد گویه	ضریب پایایی بدست آمده برای هر بعد	ضریب پایایی کل
سرمایه فرهنگی	سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته	۶	۰/۷۲	۰/۸۳
	سرمایه‌ی فرهنگی عینیت‌یافته	۵	۰/۷۹	
ارتباط و پیوستگی با طبیعت	احساس خود در ارتباط با طبیعت	۴	۰/۷۰	۰/۷۹
	دیدگاه جهانی نسبت به طبیعت	۵	۰/۷۸	
	تجربه فیزیکی طبیعت	۴	۰/۷۰	
	اقدام به حفظ طبیعت	۴	۰/۷۲	

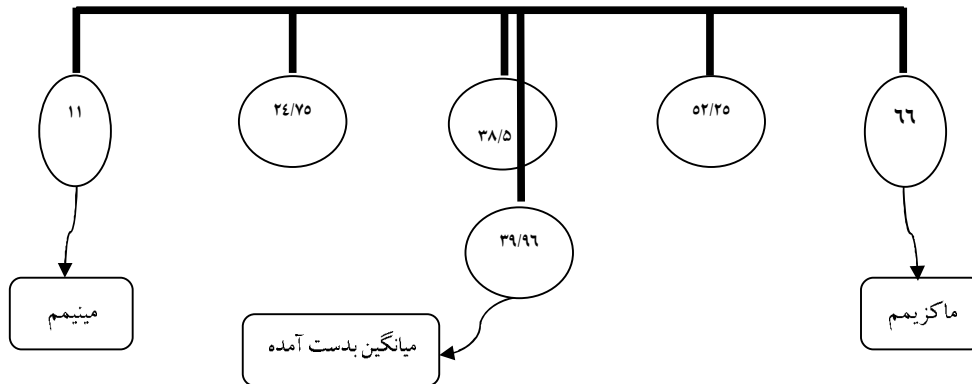
یافته‌های توصیفی تحقیق

متغیر سرمایه فرهنگی

- میانگین حاصله متغیر بعد ذهنی سرمایه‌ی فرهنگی با میزان حداکثر ۳۶ و حداقل ۶، ۲۳/۱۷ می‌باشد که بالاتر از مقدار متوسط بوده، و در واقع میزان سرمایه‌ی فرهنگی (بعد ذهنی) افراد پاسخگو در حد متوسط رو به بالا بوده است.
- میزان بعد عینی سرمایه‌ی فرهنگی با میانگین ۱۶/۷۳، با توجه به میزان ماکزیمم ۳۰ و مینیمم ۵، تقریباً در حد متوسط رو به پایین قرار دارد.
- در مجموع، سرمایه‌ی فرهنگی پاسخگویان، با میانگین ۳۹/۹۶، با توجه به میزان ماکزیمم ۶۶ و مینیمم ۱۱، در حد متوسطی قرار دارد (جدول شماره ۳) و (پیوستار شماره ۱).

جدول شماره ۳: آماره‌های توصیفی ابعاد متغیر سرمایه فرهنگی

ابعاد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	ماکزیمم	مینیمم	دامنه تغییرات	مقدار متوسط
بعد ذهنی سرمایه‌ی فرهنگی	۲۳/۱۷	۶/۱۲	-۰/۲۷	۳۶	۶	۳۰	۲۱
بعد عینی سرمایه‌ی فرهنگی	۱۶/۷۳	۶/۱۲	۰/۰۱	۳۰	۵	۲۵	۱۷/۵
سرمایه‌ی فرهنگی	۳۹/۹۶	۱۰/۷۹	-۰/۲۳	۶۶	۱۱	۵۵	۳۸/۵



پیوستار شماره ۱: متغیر سرمایه‌ی فرهنگی

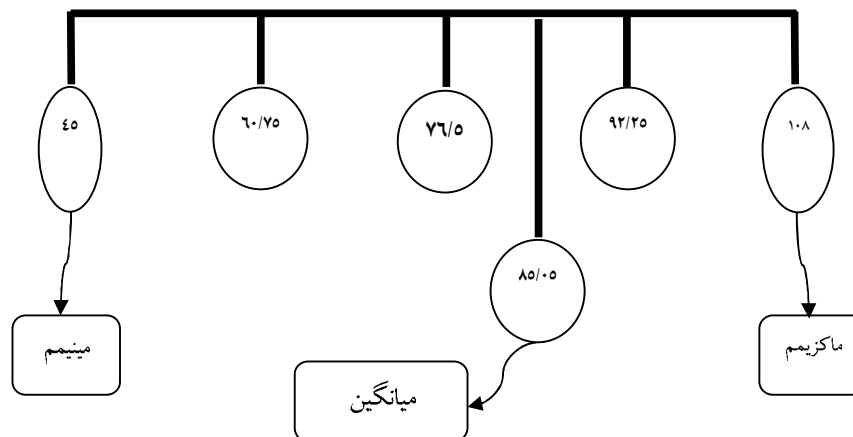
متغیر ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه

آماره‌های توصیفی به دست آمده برای ابعاد چهارگانه متغیر ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه ارومیه به شرح زیر می‌باشد:

- میانگین حاصله بعد «احساس خود در ارتباط با طبیعت دریاچه» با ماکزیمم ۲۴ و مینیمم ۶، ۲۱/۰۶ می‌باشد که در حد بالا است.
- میزان بعد «دیدگاه جهانی نسبت به طبیعت دریاچه» در بین پاسخگویان با میانگین ۲۳/۰۲، با توجه به میزان ماکزیمم ۳۰ و مینیمم ۸، در حد بالا قرار دارد.
- میانگین بعد «تجربه فیزیکی طبیعت دریاچه» ۱۸/۲۹ می‌باشد که با توجه به ماکزیمم ۲۴ و مینیمم ۶، در حد بالا است.
- میانگین بعد «اقدام عملی در جهت حفظ طبیعت دریاچه» ۱۸/۸۰ می‌باشد که با توجه به ماکزیمم ۲۴ و مینیمم ۴، در حد متوسط رو به بالا است.
- میزان ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه در بین پاسخگویان با میانگین ۸۵/۰۵، با توجه به میزان ماکزیمم ۱۰۸ و مینیمم ۴۵، در حد بالا قرار دارد (جدول شماره ۴) و (پیوستار شماره ۲).

جدول شماره ۴: آماره‌های توصیفی متغیر میزان ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه

مقدار متوسط	دامنه تغییرات	مینیمم	ماکزیمم	چولگی	انحراف معیار	میانگین	ابعاد
۱۵	۱۸	۶	۲۴	-۱/۳۴	۰/۱۶	۲۱/۰۶	احساس خود در ارتباط با طبیعت دریاچه
۱۹	۲۲	۸	۳۰	-۰/۷۴	۰/۲۵	۲۳/۰۲	دیدگاه جهانی نسبت به طبیعت دریاچه
۱۵	۱۸	۶	۲۴	-۰/۷۷	۰/۱۸	۱۸/۲۹	تجربه فیزیکی طبیعت دریاچه
۱۴	۲۰	۴	۲۴	-۰/۸۵	۰/۱۹	۱۸/۸۰	اقدام عملی در جهت حفظ طبیعت دریاچه
۷۶/۵	۶۳	۴۵	۱۰۸	-۰/۶۲	۰/۷۰	۸۵/۰۵	ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه (مجموع ۴ بعد)



پیوستار شماره ۲: متغیر میزان ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه

یافته‌های استنباطی تحقیق

آزمون تفاوت میانگین متغیر ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه بر حسب جنسیت

جهت آزمون این فرضیه که به نظر می‌رسد میانگین ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه بر حسب جنسیت متفاوت است، از آزمون آماری تفاوت میانگین (T-test) استفاده گردید. با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده (۰/۰۶۳)، چون این مقدار از ۰/۰۵ بیشتر است،

بنابراین با سطح اطمینان ۹۵ درصد، فرضیه صفر قبول و فرضیه اصلی رد می‌شود، یعنی این تفاوت میانگین ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه بین زنان و مردان معنی‌دار نمی‌باشد (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵: آزمون تفاوت میانگین پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه به تفکیک جنسیت

شاخص	جنسیت	تعداد	میانگین	T	Df	Sig
ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه	مرد	۱۷۱	۴/۸۶۴	۱/۸۶۶	۳۱۲	۰/۰۶۳
	زن	۱۴۳	۴/۷۳۵	۱/۸۵۵	۲۹۳	

آزمون تفاوت میانگین متغیر ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه بر حسب تحصیلات

جهت بررسی معنی‌داری تفاوت میانگین ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه به تفکیک سطح تحصیلات از آزمون آنالیز واریانس یکطرفه استفاده شد، نتایج نشان داد که تفاوت میانگین ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه، به تفکیک سطح تحصیلات به لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد (جدول شماره ۶).

جدول شماره ۶: آزمون تفاوت میانگین ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه به تفکیک تحصیلات

شاخص	سطح تحصیلات	تعداد	میانگین	آزمون آنالیز واریانس یکطرفه	
				درجه آزادی	F کمیت
ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه	بیسواد	۳	۴/۵۸	۳۱۰	۱/۷۶۷
	پنجم ابتدایی	۱۱	۴/۴۸		
	سیکل	۳۶	۴/۹۰		
	دیپلم	۱۱۰	۴/۸۲		
	فوق دیپلم	۳۷	۴/۸۳		
	لیسانس	۹۹	۴/۷۳		
	فوق لیسانس	۱۲	۵/۱۴		
	دکتر	۳	۴/۲۵		

آزمون همبستگی بین سن و ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه جهت سنجش همبستگی بین دو متغیر ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه و سن از همبستگی r پیرسون استفاده شده است؛ نتایج حاصل از این آزمون حاکی از آن است که:

- همبستگی بین متغیر سن با دو بعد احساس خود در ارتباط با طبیعت و اقدام در جهت حفظ طبیعت دریاچه ارومیه به تأیید نرسید.

- رابطه بین متغیر سن و بعد دیدگاه جهانی نسبت به طبیعت دریاچه در سطح ۰/۰۱ درصد و با شدت رابطه‌ی ۰/۲۳۹ به تأیید رسید. با توجه به وجود رابطه‌ی مستقیم بین سن و بعد دیدگاه جهانی نسبت به طبیعت، می‌توان گفت که با افزایش سن، دیدگاه جهانی پاسخگوینان نسبت به دریاچه‌ی ارومیه و طبیعت آن قوی‌تر می‌شود. به عبارت دیگر، نگرانی از تأثیرات اعمال انسانی بر طبیعت دریاچه بیشتر می‌شود.

- همبستگی بین متغیر سن با ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه بطور کلی، در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ مورد تأیید واقع شد؛ نوع رابطه نیز مستقیم می‌باشد و شدت رابطه ۰/۲۳۹ است. با توجه به مستقیم بودن رابطه، این بدین معناست که با افزایش سن ارتباط و پیوستگی مردم با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه بیشتر می‌شود (جدول شماره ۷).

جدول شماره ۷: آزمون همبستگی بین متغیرهای سن و ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه

متغیر	احساس خود در ارتباط با طبیعت دریاچه	دیدگاه جهانی نسبت به طبیعت دریاچه	بعد فیزیکی ارتباط با طبیعت دریاچه	اقدام در جهت حفظ طبیعت دریاچه	ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه (مجموع چهار مولفه)
سن	**-.۰۴۰	**۰/۲۳۹	*.۰/۱۱۳	***.۰/۱۰۳	**۰/۱۶۲

** : معنی داری در سطح ۰/۰۱ * : معنی داری در سطح ۰/۰۵ *** : عدم معنی داری

آزمون همبستگی بین متوسط درآمد و ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه همانطور که در جدول شماره ۶ نیز مشاهده می‌کنید، متغیر متوسط درآمد خانواده با هیچ یک از ابعاد ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه دارای همبستگی نمی‌باشد و نیز رابطه‌ی مجموع این مولفه‌ها (ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه) با متغیر درآمد ماهانه معنی‌دار نیست (جدول شماره ۸).

جدول شماره ۸: آزمون همبستگی بین متغیرهای درآمد و ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه

متغیر	احساس خود در ارتباط با طبیعت دریاچه	دیدگاه جهانی نسبت به طبیعت دریاچه	بعد فیزیکی ارتباط با طبیعت دریاچه	اقدام در جهت حفظ طبیعت دریاچه	ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه (مجموع چهار مولفه)
درآمد	***۰/۰۴۲	***-۰/۰۴۸	***-۰/۰۰۴	***۰/۰۴۵	***۰/۰۱۰

***: معنی داری در سطح ۰/۰۱ / *: معنی داری در سطح ۰/۰۵ / ***: عدم معنی داری

آزمون همبستگی بین سرمایه‌ی فرهنگی و ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه

نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر سرمایه‌ی فرهنگی و ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه نشان داد:

- بعد احساس خود در ارتباط با طبیعت با بعد سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته رابطه دارد (۰/۱۳۴) و از طرف دیگر رابطه‌اش با بعد سرمایه‌ی فرهنگی عینیت‌یافته معنی‌دار نیست. این بعد از ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه با متغیر سرمایه‌ی فرهنگی دارای رابطه‌ی ضعیف و مستقیم با شدت رابطه‌ی ۰/۱۱۷ می‌باشد. یعنی با افزایش میزان سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته، احساسات و افکار آنها در پیوستگی با طبیعت دریاچه افزایش می‌یابد.

- رابطه‌ی بین دیدگاه جهانی نسبت به طبیعت دریاچه ارومیه با دو بعد سرمایه‌ی فرهنگی (تجسم‌یافته، عینیت‌یافته) معنادار است. شدت رابطه به ترتیب برای این متغیرها ۰/۳۵۱ و ۰/۱۸۶ است. همبستگی ۰/۳۵۱ بین دیدگاه جهانی نسبت به طبیعت دریاچه ارومیه با بعد تجسم‌یافته‌ی سرمایه‌ی فرهنگی به این معناست که با افزایش بعد تجسم‌یافته، نگرانی از تأثیرات اعمال انسانی بر دریاچه‌ی ارومیه بیشتر می‌شود و گرایش به حفظ طبیعت دریاچه بیشتر می‌شود. این رابطه در حد متوسط است. بعد عینیت‌یافته سرمایه‌ی فرهنگی نیز چنین رابطه‌ای با بعد دیدگاه جهانی ارتباط و پیوستگی با طبیعت دارد اما شدت این رابطه ضعیف است (۰/۱۸۶).

شدت رابطه‌ی بین بعد دیدگاه جهانی نسبت به طبیعت با متغیر سرمایه‌ی فرهنگی ۰/۲۱۸ است که نشان از رابطه‌ی ضعیف رو به متوسط دارد. بدین معنی که، با افزایش سرمایه‌ی

فرهنگی، دیدگاه جهانی نسبت به طبیعت دریاچه ارومیه نیز افزایش می‌یابد.

- رابطه‌ی بعد فیزیکی ارتباط با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه با دو بعد سرمایه‌ی فرهنگی معنادار است. این معناداری در حالت کلی ضعیف است و شدت رابطه نیز به این ترتیب می‌باشد: رابطه‌ی بعد فیزیکی با سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته ۰/۱۲۴ و با سرمایه‌ی فرهنگی عینیت‌یافته ۰/۱۷۵ می‌باشد. شدت رابطه‌ی بین بعد فیزیکی ارتباط و پیوستگی با طبیعت با متغیر سرمایه‌ی فرهنگی ۰/۱۸۰ می‌باشد. جهت رابطه‌ها نیز مستقیم است، یعنی با افزایش در هر یک از ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی، ارتباط فیزیکی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه افزایش می‌یابد.

- بعد اقدام در جهت حفظ طبیعت دریاچه‌ی ارومیه با دو بعد سرمایه‌ی فرهنگی (تجسم‌یافته و عینیت‌یافته) به ترتیب با شدت رابطه‌های ۰/۲۷۹ و ۰/۲۷۸ دارای ارتباط معنادار رو به متوسط است. همچنین متغیر سرمایه‌ی فرهنگی با بعد اقدام در جهت حفظ طبیعت دریاچه‌ی ارومیه دارای شدت رابطه‌ی ۰/۳۲۱ است. جهت این رابطه مستقیم است. یعنی با افزایش در سرمایه‌ی فرهنگی اقدام در جهت حفظ طبیعت دریاچه افزایش می‌یابد.

- متغیر ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه در حالت کلی با متغیر سرمایه‌ی فرهنگی دارای شدت رابطه‌ی ۰/۳۳۶ است که رابطه‌ای با شدت متوسط است. این رابطه در سطح اطمینان ۰/۰۱ معنادار است و جهت این رابطه نیز مستقیم است. یعنی با افزایش سرمایه‌ی اجتماعی، ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه نیز افزایش می‌یابد (جدول شماره ۹).

جدول شماره ۹: آزمون همبستگی بین متغیرهای سرمایه‌ی فرهنگی و ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه

متغیر	احساس خود در ارتباط با طبیعت دریاچه	دیدگاه جهانی نسبت به طبیعت دریاچه	بعد فیزیکی ارتباط با طبیعت دریاچه	اقدام در جهت حفظ طبیعت دریاچه	ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه (مجموع چهار مولفه)
بعد تجسم یافته	*۰/۱۳۴	**۰/۱۸۴	*۰/۱۲۴	**۰/۲۷۹	**۰/۲۵۶
بعد عینیت یافته	***۰/۰۹۲	**۰/۱۸۲	**۰/۱۷۵	**۰/۲۷۸	**۰/۳۲۳
سرمایه فرهنگی	*۰/۱۱۷	**۰/۲۱۸	**۰/۱۸۰	***۰/۳۲۱	**۰/۳۳۶

** معنی داری در سطح ۰/۰۱ * معنی داری در سطح ۰/۰۵ *** عدم معنی داری

نتایج تحلیل رگرسیونی چند متغیره

در پژوهش حاضر برای ورود متغیرهای رگرسیونی به مدل، از روش گام به گام استفاده شده است. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه در تحقیق حاضر چنین است:

- رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته (ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه) تحقیق، براساس جدول آنالیز واریانس یکطرفه، با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده (۰/۰۰۰)، خطی می‌باشد و نشان‌دهنده‌ی این است که مجموعه متغیرهای مستقل قادرند تغییرات متغیر ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه را تبیین کنند و به عبارتی مدل مورد تایید قرار می‌گیرد. استقلال خطاها نیز با توجه به دوربین واتسون حاصله (۱/۸۶)، به عنوان یکی از پیش فرض‌های لازم جهت انجام تحلیل رگرسیونی نیز مورد تایید واقع شده است. همچنین پیش فرض عدم هم خطی متغیرهای مستقل نیز با توجه به مقادیر شاخص تولرانس^۱ (نزدیک به عدد یک) و شاخص تورم واریانس^۲ (کوچک تر از عدد ۲/۵)، به تایید رسیده است.

- ضریب همبستگی R بین متغیرها برابر ۰/۲۵۸ بوده و نشان می‌دهد که بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته همبستگی متوسطی برقرار است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده R^2 برابر ۰/۲۳۹ می‌باشد که بیانگر این است که متغیرهای باقی مانده در مدل رگرسیونی که شامل سرمایه‌ی فرهنگی عینیت‌یافته، سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته و سن، می‌باشد، توانسته‌اند ۲۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه را تبیین نمایند.

- در این میان، تاثیر متغیر سرمایه‌ی فرهنگی عینیت‌یافته بر متغیر ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه بیشتر از سایر متغیرها برآورد شده است، بعد از این متغیر به ترتیب، متغیرهای سن و سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته وارد مدل شده‌اند (جدول شماره ۱۰).

- متغیر متوسط درآمد خانواده از مدل رگرسیونی کنار گذاشته شده است (جدول شماره ۱۱).

1.tolerance

2.variance inflation factor

جدول شماره ۱۰: آماره‌های تحلیل رگرسیونی چند متغیر ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه

متغیر	بتا	کمیت t	Tolerance	Vif	سطح معنی داری	آنالیز واریانس	
						سطح معنی داری	کمیت F
۰/۲۵۸	ضریب تبیین						
۰/۲۳۹	ضریب تبیین اصلاح شده				۰/۰۰۲	۱/۲۴	۰/۸۱۷
۰/۰۴۷	اشتباه معیار برآورد	۰/۰۰۰	۱۴/۳۳	۰/۰۰۰	۱/۱۲	۰/۹۹۴	۳/۶۵
۱/۸۶	کمیت دوربین واتسون	۰/۰۱۲	۱/۰۱	۰/۶۸۳	۲/۵۱	۰/۱۶۵	

جدول شماره ۱۱: متغیر خارج شده از مدل رگرسیونی

متغیرها	بتا	کمیت t	سطح معنی داری
متوسط درآمد خانواده	-۰/۰۱۷	-۰/۳۱۶	۰/۷۵۲

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی با ارتباط و پیوستگی مردم شهر ارومیه با طبیعت دریاچه ارومیه به نگارش درآمده است. همانطور که مشخص شد، براساس نتایج توصیفی، میزان کل ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه در بین پاسخگویان، در حد بالا قرار دارد. میزان مجموع دو بعد ذهنی و عینی سرمایه‌ی فرهنگی نیز در حد متوسط رو به بالا قرار دارد.

بر اساس آزمون‌های استنباطی، نتیجه‌ی به دست آمده از تفاوت میانگین بین متغیرهای جنسیت و تحصیلات با متغیر ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه به تأیید نرسید. همچنین، همبستگی بین متغیر سن با ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه بطور کلی، در سطح پایین رو به متوسط است.

همبستگی بین متغیرهای متوسط درآمد خانواده و متغیر ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه با r پیرسون گرفته شد که رابطه معنی دار نبود.

متغیر سرمایه‌ی فرهنگی با متغیر ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه در حالت کلی

دارای شدت رابطه‌ی ۳۳۶ / متوسط است. جهت این رابطه نیز مستقیم است. یعنی با افزایش سرمایه‌ی فرهنگی، ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه نیز افزایش می‌یابد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل رگرسیونی نیز حاکی از آن بود که متغیرهای باقی مانده در مدل رگرسیونی توانسته اند، ۲۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه را تبیین نمایند؛ در این بین بیشترین تاثیر را بر متغیر وابسته، بعد عینیت‌یافته‌ی سرمایه فرهنگی داشته است.

در زمینه‌ی یافته‌های نظری تحقیق، می‌توان گفت، این فرضیه که «بین سرمایه‌ی فرهنگی و ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه رابطه وجود دارد» از تئوری بورديو استخراج شده است. به نظر بورديو، بین سرمایه‌ی فرهنگی و نگرش و رفتارهای افراد رابطه وجود دارد. وی در کتاب تمایز با مطرح کردن اصطلاح فاصله‌گیری زیبایی‌شناختی، می‌گوید که درک صحنه‌های گوناگون به صورت زیبا، بی‌معنا و یا زشت، براساس سرمایه‌ی فرهنگی افراد متفاوت است. نتایج بدست آمده از تحقیق این رابطه را تأیید می‌کند و می‌توانیم نتیجه بگیریم که ارتباط و پیوستگی مردم با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه از سرمایه‌ی فرهنگی آنها تأثیر می‌پذیرد. بنابراین تئوری بورديو در مورد سرمایه‌ی فرهنگی در جامعه‌ی مورد نظر قابل کاربرد است. همچنین نتیجه حاصله با نتایج تحقیقات محمدرضایی و اسکافی (۱۳۸۴)، دیویس، گرین و رید (۲۰۰۸)، هاینز، هانگر فورد و تومرا (۱۹۸۶-۱۹۸۷) و کلاریز بوناویستا (۱۹۹۵) همسو می‌باشد. بنابراین می‌توان بیان نمود که محتوای نظریه سرمایه فرهنگی و نتایج تحقیقات مذکور، قابل کاربرد در جامعه‌ی آماری مورد مطالعه می‌باشد.

در زمینه‌ی رابطه بین متغیرهای جمعیت‌شناختی (جنس، سن و درآمد خانواده) و ارتباط و پیوستگی مردم با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه باید گفت که به جز متغیر سن که با متغیر وابسته‌ی تحقیق دارای همبستگی متوسط بود، بقیه‌ی متغیرهای زمینه‌ای (جنس، درآمد خانواده) با متغیر وابسته تحقیق دارای رابطه نبوده است. نتیجه‌ی نظری که از این حالت عدم معناداری بین متغیرهایی همچون جنس، نوع شغل و درآمد خانواده توسط محقق گرفته می‌شود این است که با توجه به وضعیت بحرانی دریاچه‌ی ارومیه در زمان اجرای تحقیق حاضر، این بحران به صورتی همه‌گیر گروه‌های مختلف مردمی را تحت تأثیر قرار داده است و چنین نیست که مثلاً مردها بیش‌تر از زنها از این پدیده متأثر شوند، و یا افراد با درآمد بالا بیشتر از آنهایی که درآمد پایین دارند، تحت تأثیر قرار گیرند. خشک شدن دریاچه‌ی ارومیه درد مشترکی است که همه را به خود نگران کرده است.

با توجه به وجود رابطه بین سرمایه‌ی فرهنگی (دو بعد تجسم‌یافته و عینیت‌یافته) و ارتباط و پیوستگی با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه، پیشنهاد می‌شود که اقداماتی در زمینه‌ی تقویت

سرمایه‌ی فرهنگی در جامعه‌ی مورد مطالعه صورت گیرد. این امر زمانی خود را به صورت برجسته نشان می‌دهد که ما به مفهوم فقر فرهنگی موجود در کشورهای در حال توسعه توجه کنیم. فقر فرهنگی، به ویژه در زمینه‌ی رابطه‌ی انسان‌ها با محیط زیست ریشه‌ی بسیاری از مشکلات در زمینه‌ی بحران‌های زیست محیطی است. در این زمینه، نهادهای زیربسط می‌توانند برای تقویت سرمایه‌ی فرهنگی، در تولید کالاهای فرهنگی منطبق با فرهنگ بومی مردم برنامه‌ریزی کنند. این برنامه‌ریزی‌ها می‌تواند طیف وسیعی از پدیده‌ها- از نمایشگاه‌های هنری و عکاسی گرفته تا موسیقی و موزه‌های مربوط به محیط زیست را شامل شود.

ارتباط و پیوستگی زیاد مردم با طبیعت دریاچه‌ی ارومیه یک پتانسیل بسیار قوی است و می‌توان از این نیرو به اشکال مختلف در حفاظت از این دریاچه استفاده کرد. چرا که براساس نتایج حاصله اکثریت مردم با نابودی دریاچه‌ی ارومیه مخالف بوده و حاضرند در حد توان خود کمک مالی به موسساتی نمایند که برای احیای دریاچه‌ی ارومیه پول جمع می‌کنند. و به عضویت گروه‌هایی درآیند که حاضرند به خشک شدن دریاچه‌ی ارومیه کمک کنند. بنابراین می‌توان گفت که همکاری مردم در اشکال مختلف، مثل سازمان‌های غیردولتی (NGO) و تبدیل انرژی‌های فردی به جمعی می‌تواند کمک زیادی به پروسه‌ی نجات دریاچه‌ی ارومیه بکند.

منابع

باینگانی، بهمن و کاظمی، علی (۱۳۸۷) « بررسی مبانی تئوریک مفهوم سرمایه فرهنگی»، *فصلنامه بزرگ فرهنگ*.

بور دیو، پیر (۱۳۸۴) شکل‌های سرمایه، در سرمایه‌ی اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، گردآوری کیان تاجبخش، ترجمه‌ی افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
بور دیو، پیر (۱۳۹۰) تمایز نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی)، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: نشر ثالث.
دواس، دی. ای. (۱۳۸۶) پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی.
روحانی، حسن (۱۳۸۸) « درآمدی بر نظریه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی»، *فصلنامه راهبرد*، سال هجدهم، شماره ۵۳، صص ۷-۳۵.

سعادت‌تی، موسی و عباس زاده، محمد (۱۳۹۲) « بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر پرخاشگری در بین تماشاگران فوتبال تیم تراکتورسازی تبریز»، معاونت اجتماعی استان آذربایجان شرقی، دفتر تحقیقات کاربردی.

غفاری، غلامرضا (۱۳۸۷) «سازه‌های سرمایه‌ی فرهنگی و منابع مولد»، *رشد علوم اجتماعی*، دوره‌ی دوازدهم، شماره‌ی ۲، صص ۱۲-۲۱.

غیاثوند، احمد (۱۳۸۷) کاربرد آمار و نرم افزار Spss در تحلیل داده‌ها، تهران: نشر لویه.
فصیحی، امان‌الله (۱۳۸۹) اسلام و سرمایه اجتماعی: با تاکید بر رویکرد فرهنگی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

محسنی، منوچهر (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: انتشارات طهوری.

محمدرضایی، شهریار و اسکافی، فردین (۱۳۸۴) « موانع و راهکارهای مشارکت کارکنان در سیستم مدیریت محیط زیستی شرکت ایران خودرو»، *محیط‌شناسی*، صص ۱۱۳-۱۲۲.

Buenavista, M., & Gladys G. (1995) *Social Factors Influencing Natural Resource Management in the Philippines*, Virginia Polytechnic Institute and State University.

Jody, L., Jeffrey, D., & Green, A., R. (2009). "Interdependence with the Environment: Commitment, Interconnectedness, and Environmental Behavior". *Journal of Environmental Psychology*. 29 11, 173-180.

Nisbet, E., K., Zelenski, J., & Murphy, S., A. (2009). "The Nature Relatedness Scale: Linking Individuals' Connection With Nature to Environmental Concern and Behavior". *Environment & Behavior*, (41)6, 715-740.

Nisbet, E., Zelenski, J., Murphy, S., A. (2011). "Happiness is in our Nature: Exploring Nature Relatedness as a Contributor to Subjective Well-Being". *Happiness Studies*, (38)12, 303-322.